مکتب تفسیری امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام ـ محسن احتشامی‌نیا، عبدالله غلامی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال یازدهم، شماره ۴۲ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، بهار ۱۳۹۳، ص ۳۹ ـ ۶۶

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

مکتب تفسیری امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام

محسن احتشامی‌نیا *
عبدالله غلامی **

چکیده: روایات تفسیری امام رضا علیه‌السلام به دلیل شرایط خاصّ سیاسی و علمی زمان خود، از اهمیت خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که می‌توانیم بر آن به مکتب تفسیری امام رضا علیه‌السلام اطلاق نماییم؛ زیرا ایشان در دوران سکونت در مرو تا حدودی آزادانه و تقریباً بدون تقیه به نشر معارف اسلامی می‌پرداخت؛ نویسندگان به بررسی روش تفسیر امام رضا علیه‌السلام در مکتب تفسیری ایشان پرداخته و روش‌های گوناگون امام را در تفسیر قرآن بیان کرده‌اند. امام علیه‌السلام در همه روش‌های تفسیری قرآن، از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده است. در پایان به مباحث علوم قرآن از نگاه امام رضا علیه‌السلام نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه‌السلام/ قرآن/ مکتب تفسیری امام رضا علیه‌السلام / روایات تفسیری/ روش‌های تفسیری.

---

*. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ـ واحد تهران مرکزی (استادیار) m.ehteshaminia@ yahoo.com
**. عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه (استادیار) ـ نویسنده مسئول Gholamy53@yahoo.com

مقدمه

مکتب تفسیری امام رضا علیه‌السلام با عنایت به ویژگی خاص دوران آن حضرت از اهمیت خاصی برخوردار است. این اهمیت به علّت ویژگی خاص دوران حیات و امامت ایشان است. دوران امامت امام رضا علیه‌السلام به دو دوره حساس حیات مبارکشان یعنی دوران سکونت در مدینه و دوران سکونت در مرو یا به عبارت دیگر، دوران پیش از ولایت عهدی و دوران پس از آن تقسیم می‌شود (حکیمی، امام در عینیت جامعه، ص۶۲-۷۶) که هر یک برای جهان اسلام، به ویژه شیعه از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا در دوران سکونت در مدینه به علّت شهادت پدر بزرگواش، امام هفتم شیعیان، فرصتی مناسب برای ایشان پیش آمد که باعث نشر معارف اسلامی شد.

در دوران سکونت در مرو نیز امام علیه‌السلام تا حدودی دارای مصونیت سیاسی بود و آزادانه و تقریباً بدون تقیه به نشر معارف اسلامی می‌پرداخت؛ زیرا مأمون ایشان را برای توجیه خلافت خویش و بهره‌برداری از وجود آن حضرت با امام ظاهراً مدارا می‌کرد. امام علیه‌السلام نیز از این فرصت به دست آمده نهایت استفاده را نمود و با درایت تام از پذیرش ولایتعهدی آن گونه که خواست مأمون بود، خودداری ورزید و در جلسات مناظره با دانشمندان آن روز آن گونه که شایسته بود، به تفسیر قرآن و بیان معانی اخبار می‌پرداخت تا آنجا که روایات و تفسیرهایی که امامان پیشین با تقیه و رعایت مسائل امنیتی بیان می‌داشتند، آشکارا بیان می‌فرمودند، به ویژه تفسیر بطنی و تأویلی آیاتی که در شأن اهل بیت علیهم‌السلام بود.

با وجود این، از سیره امام رضا علیه‌السلام در تفسیر قرآن نکات ارزشمندی قابل برداشت است که می‌تواند ما را در تفسیر درست قرآن یاری نماید؛ لذا از آدابی که هر مسلمانی در قبال قرآن کریم دارد، تعامل با آن در جهت درک مفاهیم آن است. این امر میسر نمی‌شود مگر با انس با قرآن و قرائت و تلاوت آن و این امر نیز خود زمینه تفسیر قرآن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

را فراهم می‌سازد. در این میان اهتمام عالم آل محمد علیهم‌السلام ـ چنان که گفته شد ـ نظر به مقطعی از دوران حیات علمی و سیاسی امامان معصوم علیهم‌السلام که در آن قرار گرفته بود، از اهمیت شایانی برخوردار است؛ چرا که امام در شرایطی تفسیرهایی از قرآن را بیان می‌کردند که جو حاکم و ضد مکتب اهل البیت علیهم‌السلام ـ یعنی مکتب خلفا که پرچمدار آن در آن ایام مأمون عباسی بود ـ درآیات بخصوصی دیدگاهی مخالف آن داشت. این امر به ویژه در جلسات مناظرهٔ حضرت و بیان باطن و تأویل آیاتی که در باره اهل‌البیت علیهم‌السلام است، نمود دو چندانی دارد؛ لذا می‌توان از آن به مکتب تفسیری امام رضا علیه‌السلام یاد کرد.

به هر حال روش تفسیر صحیح که بتوان به وسیله آن از تفسیر به رأی در امان ماند، آن است که از سوی اهل‌البیت علیهم‌السلام آموزش داده شده و در قالب روایات به ما رسیده است؛ از این رو، روش‌شناسی تفسیر ائمه علیهم‌السلام از اهمیت شایانی برخوردار است. در جستار حاضر، روش‌شناسی تفسیر امام رضا علیه‌السلام را در مکتب تفسیری ایشان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) روش کلّی تفسیر از دیدگاه امام رضا علیه‌السلام

بدیهی و روشن است که اگر کسی بخواهد به تفسیر قرآن بپردازد یا حکمی را از آن استنباط کند، باید از مباحث مربوط به الفاظ قرآن از قبیل عام و خاص، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و... در قرآن آگاهی داشته باشد و با استفاده از قواعدی خاص به اجتهاد در قرآن و استنباط حکم الهی و تفسیر کلام خداوند بپردازد؛ چه اجتهاد در ادله احکام و تفسیر قرآن بدون ردّ متشابه به محکم و تقیید مطلقات و تخصیص عمومات امکان ندارد (بهبهانی، الرسائل‌الاصولیه، ص۲۳). همچنان‌که باید به ظواهر قرآن توجّه داشت، باید به نحو شایسته‌ای از روایات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام نیز بهره گرفت؛ چه این دو، دو ثقلی هستند که همواره درکنارهم و مکمّل یکدیگر و امان از گمراهی‌اند (ابن‌حنبل، المسند، ج۳، ص۱۷،۱۴،۲۶؛ نسائی، فضائل الصحابه، ص۱۵؛ صدوق، کمال‌الدین، ص۳۴، ح۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج۲۳، ص۴۰، باب۷)؛ بر همین مبنا امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند: «**من ردّ متشابه القرآن الی محکمه**

فقد هدی الی صراط مستقیم؛ کسی که متشابه قرآن را به محکم آن باز گرداند، به راه مستقیم هدایت گشته است» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۵، ح ۶).

از این حدیث اصالت و مرجعیت محکمات در تبیین متشابهات استفاده می‌شود. در این حدیث، برگرداندن آیات متشابه به آیات محکم نوعی تفسیر دانسته شده و راه مستقیم معرفی شده است. به علاوه، حدیث مذکور بر بهره‌گیری همگان از آیات محکم قرآن برای فهم متشابهات و جواز استفاده از چنین روشی دلالت می‌کند. به سخن دیگر مردم نیز می‌توانند با به کارگیری قواعد و اصول تفسیر، آیات قرآن را بفهمند و احکام آن را به دست آورند؛ یعنی فهم و تفسیر قرآن برای غیرمعصومان علیهم‌السلام نیز امکان دارد و روایات فراوانی بر این امر دلالت می‌کند (برای نمونه، ر.ک: کلینی، ج ۳، ص۳۳، ح ۴). از آنجا که امام علیه‌السلام قرآن مجسّم (ممثّل) است، در کلمات ایشان نیز همچون قرآن کریم، محکم و متشابه یافت می‌شود. لذا می‌افزاید: «إنّ فی اخبارنا متشابهاً کمتشابه القرآن ومحکماً کمحکم القرآن فردّوا متشابهها إلی محکمها و لا تتّبعوا متشابهها دون محکمها فتضلّوا؛ در خبرهای ما نیز متشابهات و محکماتی هست،مانند محکمات و متشابهات قرآن؛ پس شما متشابهات آن را به محکمات آن اخبار برگردانید و بدون توجّه به محکمات، از متشابهات پیروی نکنید؛ زیرا در این صورت گمراه خواهید شد» (عطاردی، مسند الامام الرضا علیه‌السلام، ج۱، ص۳۰۷، ح۵).[1]

در حقیقت، تشابه در پاره‌ای اخبار خود سبب وجود اجمال در برخی روایات است (معارف، شناخت حدیث، ص۵۰)؛ لذا ضرورت و لزوم ارجاع روایات متشابه به روایات محکم و به دست آوردن فهم درست معنای آنها از مبانی درایة الحدیث است که امام علیه‌السلام به آن تصریح کرده و آن را از مبانی و اصول فهم حدیث معرفی کرده است؛ زیرا احادیث

۱. البته درباره تشابه آیات قرآن دیدگاهي دیگر هست که طبق آن تشابه در آیات نسبی است. آیت الله جوادي آملي می‌گوید: محکمات قرآن همان «امّ الکتاب» هستند که متشابهات از آنان تغذیه می‌شوند و رشد می‌کنند و از حدّ تشابه بیرون می‌روند و سرانجام در حوزهٔ محکمات در می‌آیند. با توجّه به این دو حیثیت، بر کسی که در قرآن و حدیث می اندیشد، واجب است که محکمات و متشابهات قرآن و حدیث را بشناسد تا در پرتو محکمات به چگونگی رفع تشابه آشنا گردد (جوادی آملی، قرآن کریم از منظر امام رضا علیه‌السلام، ص۵۰ و ۵۱).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

محکم اساس تعالیم پیامبراکرمﷺ و ائمه‌علیهم‌السلام را تشکیل می‌دهد و همچون آیات محکم که «امّ الکتاب» و اساس قرآن هستند (آل عمران، ۷).

دیگر اینکه در روایات معصومان‌علیهم‌السلام تأویل‌پذیری روایات متشابه و امکان سوءاستفاده منحرفان به ویژه غالیان و دشمنان ایشان از معانی انحرافی وجود دارد (معارف، شناخت حدیث ص۵۰)، چنانکه امام صادق‌علیه‌السلام نیز به این نکته توجه داده است: «أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ إِذَا عَرَفْتُمْ مَعَانِيَ كَلَامِنَا إِنَّ الْكَلِمَةَ لَتَنْصَرِفُ عَلَى وُجُوهٍ فَلَوْ شَاءَ إِنْسَانٌ لَصَرَفَ كَلَامَهُ كَيْفَ شَاءَ وَ لَا يَكْذِب» (صدوق، معانی‌الاخبار، ص۱؛ فیض، نوادر الاخبار، ص۵۰).

آنچه بیان شد، در روایات تفسیری امام رضاعلیه‌السلام به خوبی مشهود است به ویژه آنجا که دیدگاه‌های خویش را به احادیث پدران بزرگوارش مستند می‌سازد یا روایتی از آنان را تبیین می‌فرماید (صدوق، معانی‌الاخبار، ص۱۸۱؛ همو، عیون اخبارالرضاعلیه‌السلام، ج ۱، ص۳۷۰).

۱ـ روش تفسیر قرآن به قرآن

این روش عبارت است از: تبیین معانی آیات قرآن و مشخص کردن مقصود و مراد جدی از آنها به وسیله یا با کمک آیات دیگر؛ به سخن دیگر، در این روش، قرآن، خود، منبعی برای تفسیر قرآن قرار می‌گیرد. به استناد روایات تفسیری پیامبرﷺ و امامان معصوم‌علیهم‌السلام این روش تفسیری بهترین روش تفسیر قرآن دانسته شده است. پیشینه این روش، به عصر نزول قرآن و شخص پیامبرﷺ برمی‌گردد که از این روش برای تفسیر آیاتی از قرآن استفاده کرده و آن را به اصحاب آموزش داده است. پس از ایشان ائمه‌علیهم‌السلام نیز همین شیوه را در پیش گرفته‌اند. علامه طباطبایی پس از نقد روشهای گوناگون تفسیر قرآن، روش تفسیر قرآن به قرآن را شیوه آموزگاران قرآن یعنی ائمه هدی‌علیهم‌السلام می‌داند (المیزان، ج۱، ص ۱۵). چنین روشی از تفسیر قرآن از صحابه و تابعان نیز نقل شده است.

امام رضاعلیه‌السلام نیز همچون دیگر اجداد طاهرینش‌علیهم‌السلام از روش تفسیر قرآن به قرآن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

استفاده کرده‌اند. برای نمونه، ابراهیم بن ابی‌محمود می‌گوید: از ابوالحسن‌رضاعليه‌السلام تفسیر این آیه را پرسیدم که می‌فرماید: «ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم؛ خداوند بر دلهای ایشان و بر شنوایی آنان مُهر و ختم نهاده است» (البقره/۷). فرمود: «ختم» آن است که به کیفر کفر ورزیدن، بر دل کافران مهر زنند، همان گونه که خداوند در جای دیگر می‌فرماید: «بل طبع الله علیها بکفرهم فلا یؤمنون إلا قلیلا؛ بلکه خدا به سبب کفرشان، بر دلهایشان مهر نهاده و در نتیجه، جز شماری اندک از ایشان ایمان نمی‌آورند» (النساء/۱۵۵).

ابراهیم بن محمود ادامه می‌دهد: از امام پرسیدم: آیا خداوند بندگانش را مجبور به گناه می‌کند؟ فرمود: به آنان اختیار عطا می‌کند و ایشان را مهلت می‌دهد تا توبه کنند. پرسیدم: آیا خدا آنان را به کاری وا می‌دارد که توان آن را ندارند؟ فرمود: چگونه چنین چیزی ممکن است، در حالی که خود می‌فرماید: «وما ربك بظلام للعبید؛ و پروردگار تو بر بندگان ستم نمی‌ورزد...» (فصلت/۴۶؛ ر.ک: آل عمران، ۱۸۲؛ الانفال، ۵۱؛ الحج، ۱۰؛ ق، ۲۹). و ادامه داد: پدرم موسی بن جعفرعليه‌السلام از پدرش جعفر بن محمدعليه‌السلام برایم حدیث کرد و فرمود: «من زعم أن الله تعالی یجبر عباده علی المعاصي أو یکلفهم ما لا یطیقون فلا تأکلوا ذبیحته ولا تقبلوا شهادته ولا تصلوا ورائه ولا تعطوه من الزکاة شیئا؛ هر کس بپندارد خداوند بندگان را به گناه وامی‌دارد یا آنان را به کاری فراتر از توانشان تکلیف می‌کند، ذبیحه او را نخورید، گواهی‌اش را نپذیرید، در ورای او نماز مگذارید (به او اقتدا نکنید) و چیزی از زکات به او نپردازید» (صدوق، عیون أخبار الرضاعليه‌السلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۱۶).

امام در تفسیر این آیه افزون بر تفسیر قرآن به قرآن که معنای کلمه‌ای از قرآن را با آیه‌ای دیگر توضیح می‌دهد، به روایتی از پدر بزرگوارشان نیز در تفسیر آیه استناد نموده و نقش روایات مأثور را در تفسیر قرآن آشکار ساخته است.

۲ـ بیان تأویل آیه و استشهاد به روایت تفسیری

امام رضاعليه‌السلام در مواردی ضمن بیان تأویل آیه به حدیثی از اجداد گرامی‌اش که در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

قالب تفسیر آیه بیان شده استشهاد می‌نماید و با این کار، مستند خویش را برای تفسیر تأویلی خویش بیان می‌دارد. روایت محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام ذیل آیه «أذن مؤذن بینهم أن لعنة الله علی الظالمین» (الاعراف/۳۲) از این نمونه است که فرموده‌اند: «المؤذن أمیر المؤمنین علیه السلام یؤذن أذاناً یسمع الخلائق کلّها والدلیل علی ذلك قول الله عز وجل في سورة براءة «وأذان من الله رسوله» (البراءة/۴) فقال أمیر المؤمنین: کنت أنا الاذان في الناس» (عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۳۳۴، ش۷۷؛ قمی، التفسیر، ص۲۱۶)؛ آن مؤذّن، امیرالمؤمنین علیه السلام است و [در قیامت] به گونه‌ای اعلام می‌نماید که تمام خلایق می‌شنوند. دلیل آن این سخن خداوند است که در سوره برائة می‌فرماید: «وأذان من الله رسوله» که امیرالمؤمنین علیه السلام [در تفسیر آن] فرمود: «من آن اذان بین مردم بودم».

لازم به یادآوری است که اینکه حضرت امیر علیه السلام سوره توبه را در میان مردم خواندند و پیام برائت از مشرکان را اعلام نمودند، مورد اتفاق مسلمانان است که خود نیز به آن اشاره کرده‌اند. در این روایت، امام‌رضا علیه السلام علاوه بر بیان تأویل آیه، آن را به آیه‌ای دیگر مستند نموده است که تأویل آن نیز به وسیله اجداد گرامیش بیان شده است.

۳ـ امام رضا علیه السلام و تفسیر آیات الاحکام

امامان معصوم علیهم السلام خود مرجع و منبع احکام‌اند. با این حال، در موارد بسیاری نظر خود را در بیان احکام به قرآن مستند کرده‌اند. روایات تفسیری امام رضا علیه السلام در آیات الاحکام نیز به نوبه خود در خور توجه است. برای مثال ذیل آیه «الطّلاقُ مَرّتان فَإمساك بِمَعروف أَو تَسریح بِإحسان» (البقره/۲۲۹) آمده است: ابوالقاسم فارسی در باره این آیه از امام رضا علیه السلام پرسید که خداوند می‌فرماید: «طلاق دو بار است. پس از آن یا بخوبی نگاه داشتن (امساک به معروف) یا به شایستگی آزاد کردن (تسریح به احسان) ...». امام علیه السلام فرمود: «أما الإمساك بالمعروف فکف الأذی وإجباء النفقة؛ وأما التسریح بإحسان فالطلاق علی ما نزل به الکتاب؛ «امساک به معروف» آن است که از آزار و اذیّت زن خودداری ورزد و

نفقه او را بپردازد و «تسریح به احسان» آن است که بر پایه دستور قرآنی او را طلاق **دهد**» (عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱۷؛ عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۶، ح ۲۸).

۳ـ ۱ـ بیان اجمال و فروعات فقهی آیات الاحکام

مجمل لفظی است که دلالت آن بر معنایش روشن و واضح نباشد. بنا به گزارش سیوطی در الاتقان تنها داود ظاهری منکر وجود لفظ مجمل در قرآن می‌باشد و دیگر دانشمندان اسلامی به وجود لفظ مجمل در قرآن اذعان دارند. اسباب و عوامل اجمال در آیه هرچه باشد،[1] این پرسش مطرح است که آیا لفظ مجمل همچنان بر اجمال خویش باقی مانده است یا از آن رفع اجمال شده است یا با در نظر گرفتن قواعد و اصول صحیح تفسیر، اجمال در لفظ و آیات قرآن قابل رفع است؟ سیوطی در پاسخ به دو سؤال نخست، دیدگاه صحیح را آن دانسته که مکلفین به احکام قرآن در عمل به آیات مجمل معطّل نمانده‌اند و از این گونه آیات رفع اجمال شده است (سیوطی، الإتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص۶۴۱).

تبیین نیز عبارت از است بر طرف کردن اجمال از لفظ یا عبارت مجمل با الفاظی که اجمال را بر طرف کند. مبیَّن دو گونه است؛ متصل یعنی مبینی که بعد از لفظ مجمل در خود آیه آمده؛ منفصل یعنی مبیَّنی که جدا از متن آیه مجمل آمده است که ممکن است آیه‌ای دیگر از قرآن، حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و طبق دیدگاه امامیه یا حدیث امامان معصوم علیهم السلام باشد. برای نمونه، در آیه۳۳ سوره المائده حکم کسی که با خدا و رسول او محاربه کند، به گونه‌ای بیان شده است که به ظاهر اجمال دارد. بر همین اساس امام رضا علیه السلام به گاه پاسخ پرسشی در این باره، ابتدا بر همان که از آیه فهمیده می‌شود، اشاره نموده و سپس در پی پرسش تفصیلی پرسشگر، با بیان فروعات دیگر مسئله، اجمال در

۱. اسباب و عوامل اجمال طبق گزارش سیوطی بدین قرار است: اشتراک در لفظ، حذف، اختلاف در مرجع ضمیر، احتمال عطف و استیناف، غرابت در لفظ، عدم کثرت استعمال لفظ در زمان پس از ظهور، تقدیم و تأخیر، قلب منقول، تکراری که اتصال کلام را در ظاهر قطع می‌کند (الإتقان في علوم القرآن، ج ۱، ص ٦٤١).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

مسئله را بر طرف فرمودند. این شیوه امام علیه السلام نشان از این دارد که آیه به خودی خود اجمال ندارد، بلکه اجمال آن عارضی است. متن روایت و پاسخ تفصیلی امام چنین است: ابواسحاق مدائنی گوید: «نزد امام رضا علیه السلام بودم که فردی آمد و گفت: قربانت شوم! خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّما جَزاءُ الَّذِينَ يُحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ...»[1] معنی این سخن چیست؟ امام فرمود: خدا چنین فرموده است.

پرسیدم: قربانت گردم، در چه صورتی سزاوار یکی از این چهار کیفر است؟

امام فرمود: در چهار صورت که هر صورت حکم خاص خود را دارد:

اگر با خدا و رسولش از سر نبرد درآمد و در زمین فساد کرد و کسی را کشت، او را می‌کشند.

اگر کسی را کشت و اموال او را هم ربود، او را می‌کشند و بر دار می‌آویزند.

اگر اموال کسی را ربود ولی او را نکشت، دست و پایش را به خلاف همدیگر قطع می‌کنند.

اگر با خدا و رسول او جنگید و فساد پیشه کرد، ولی کسی را نکشت و مال کسی را نگرفت، او را تبعید می‌کنند.

پرسیدم: قربانت گردم! تبعیدش چگونه است؟ امام فرمود: او را از شهری که کارهای ناشایست را در آن انجام داده، به شهری دیگر می‌فرستند و به مردم آن دیار می‌نویسند که او تبعیدی است، با او همخور و همنوش و همسر نشوید. اگر از آن شهر به جایی دیگر رفت، برای آنان نیز چنین می‌نویسند، تا یک سال تا اینکه شرمسارانه توبه کند.

پرسیدم: قربانت گردم! اگر خواست از سرزمین اسلام بیرون رود و در دیار مشرکان زندگی کند، چه باید کرد؟ فرمود: اگر خواست به سرزمین شرک برود، گردنش را

---

۱. ادامه آیه چنین است: «ذلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظِيمٌ».

می‌زنند» (عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص۳۱۷).

چنان که می‌بینیم، در این روایت، متن آیه نسبت به حکم محاربه با خدا و رسول او ﷺ مبیَّن است و اجمالی ندارد، ولی نسبت به هریک از پرسش‌های فرعی پرسشگر که ناظر به فروعات فقهی مسئله است، اجمال دارد و امام علیه‌السلام به تفصیل به بیان حکم هر یک از فروعات پرداخته و رفع اجمال نموده است. روشن است که اینگونه بیان اجمال در آیه تنها از خاندانی برمی‌آید که به تصریح پیامبر اکرم ﷺ در حدیث ثقلین همسنگ قرآن معرفی شده و سخن آنان فصل الخطاب مسائل و مشکلات علمی و دینی است.

شایان یادآوری است که در بعضی روایات دیگر چنین آمده: «ذلك الی الامام یفعل به ما یشاء» یعنی حکم این جزا متعلّق به امام است و امام به آنچه که بخواهد، حکم می‌کند و هر کدام را که بخواهد اختیار می‌کند. شیخ مفید همین تفسیر را پذیرفته است (لاهیجی، تفسیر شریف لاهیجی، ج۱، ص ۶۴۸-۶۴۹).

در کافی از جمیل بن دراج آمده که از امام جعفر علیه‌السلام از این سخن خداوند «إِنَّما جَزاءُ الَّذِینَ یُحارِبُونَ اللَّهَ» الی آخر آیه سؤال کردم: کدام یک از این حدود که خداوند نام برده است، بر آنها واجب می‌شود؟ قال: ذلك الی الامام ان شاء قطع و ان شاء نفی و ان شاء صلب و ان شاء قتل. قلت: النفی الی أین؟ قال: ینفی من مصر الی مصر، و قال: ان علیا علیه‌السلام نفی رجلین من الکوفة الی البصرة؛ آنچه واجب است، در اختیار امام [حاکم اسلامی] اگر بخواهد قطع می‌کند و اگر بخواهد تبعید می‌کند و اگر بخواهد به دار می‌آویزد و اگر بخواهد به قتل می‌رساند. گفتم: تبعید به کجا؟ فرمود: تبعید از شهری به شهر دیگر و فرمود: زیرا علی علیه‌السلام دو مرد را از کوفه به بصره تبعید نمود (کلینی، الکافی، ج۷، ص ۲۴۶، ح ۳).

۳ـ۲ـ بیان فلسفه احکام و تبیین علل الشرایع

از ویژگی‌های متمایز مکتب تفسیری امام رضا علیه‌السلام بیان فلسفه احکام و تبیین علل الشرایع است تا آنجا که شیخ صدوق کتابی گرانسنگ را با همین موضوع و عنوان از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

احادیث امامان معصوم علیهم السلام فراهم آورده است. این کتاب پیوسته مورد توجه علما و فقهای شیعه قرار داشته و از معتبرترین منابع روایی شیعه می‌باشد و برای شناخت علت برخی از احکام اسلامی و فلسفه وجودی آنها و نیز آگاهی از دلیل برخی از مباحث عقیدتی از جمله علّت برتری پیامبران بر فرشتگان بسیار راهگشا است. امام رضا علیه السلام در موارد بسیاری به بیان فلسفه احکام پرداخته و بر آن نیز استدلال کرده و گاهی استناد خویش را نیز آورده است. برای نمونه‌ای، محمد بن سنان می‌گوید که امام ابو الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در پاسخ پرسش‌هایش در باره حرمت خوردن مال یتیم چنین نوشته است:

«حرم أكل مال اليتيم ظلما لعلل كثيرة من وجوه الفساد:

أول ذلك إذا اكل مال اليتيم ظلما فقد أعان على قتله إذ اليتيم غير مستغن ولا محتمل لنفسه، ولا قائم بشأنه، ولا له من يقوم عليه و يكفيه كقيام والديه؛ فإذا أكل ماله فكأنه قد قتله وصيره إلى الفقر والفاقة مع ما خوف الله عز وجل من العقوبة في قوله «وليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذرية ضعافا خافوا عليهم فليتقوا الله» (النساء/۹). ولقول أبي جعفر علیه السلام: إن الله عز وجل وعد في أكل مال اليتيم عقوبتين، عقوبة في الدنيا، وعقوبة في الاخرة. ففي تحريم مال اليتيم استبقاء اليتيم واستقلاله نفسه، والسلامة للعقب أن يصيبه ما أصابهم لما وعد الله فيه من العقوبة مع ما في ذلك من طلب اليتيم بثأره إذا أدرك ووقوع الشحناء والعداوة والبغضاء حتى يتفانوا» (شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص۴۸۰ باب ۲۳۲).

از این مکاتبه که امام رضا علیه السلام در بیان علّت‌های مختلف تحریم خوردن مال یتیم نگاشته‌اند، نکاتی از روش علمی امام رضا علیه السلام به دست می‌آید که بدین قرار است:

۱. بیان علل مختلف برای فلسفه احکام؛

۲. استدلال عقلی بر علت تحریم حکم مذکور؛

۳. استدلال و استناد به آیه در بیان فلسفه احکام؛

۴. استدلال و استناد به سخنان اجداد بزرگوارش در بیان فلسفه احکام؛

۵. نتیجه‌گیری و بیان مصلحت حکم؛

۶. بیان تأثیر مثبت عمل به حکم تحریم و نتیجه منفی ترک عمل به آن.

۳ـ۳ـ تعیین مصادیق آیات الاحکام و استشهاد به قرآن

تفسیر آیات الاحکام و چند و چون مصادیق اعمال عبادی همواره برای متشرعین از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. بر همین مبنا معصوم‌علیهم‌السلام در مواردی مصادیق آیات را برشمرده و به تبیین آنها پرداخته است؛ برای نمونه، عباس بن هلال از امام رضاعلیه‌السلام روایت کرده که ذیل آیه «ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه» (النساء/۳۱) گناهان بزرگ را چنین برشمرده‌اند: بت‌پرستی، میگساری، آدم‌کشی، آزار دادن پدر و مادر، اتهام زدن به زنان پاکدامن، گریز از جنگ، و خوردن مال یتیم (عیاشی، تفسیرالعیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۱۰۷؛ بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج۲، ص ۶۹، ح ۲۳۲۷).

در روایتی دیگر امام‌جوادعلیه‌السلام مصادیقی را برای گناهان کبیره بر می‌شمارد و برای بیان حکمت هر یک از احکام الهی به آیه یا آیاتی از قرآن و گاه به حدیث استشهاد می‌کند. در واقع روش امام‌علیه‌السلام در تفسیر آیه مذکور بدین‌گونه است که با کمک آیات دیگر قرآن (روش تفسیر قرآن به قرآن) و احادیث رسول اکرم‌صلی‌الله‌علیه‌وآله (روش تفسیر به مأثور) مصادیق آیه را بر می‌شمارد (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۸۵- ۲۸۷، ح ۲۴).

۴ـ امام رضاعلیه‌السلام و روش تفسیر علمی

مقصود از علم در عنوان «تفسیر علمی» علوم تجربی است و این خود، به دو شاخه علوم طبیعی مانند فیزیک و شیمی و ... و علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی و... تقسیم می‌شود.

موافقان تفسیر علمی قرآن تعاریف مختلفی برای تفسیر علمی قرآن ارائه داده‌اند. بهترین تعریف برای روش تفسیر علمی قرآن آن است که قطعیات به اثبات رسیده علمی که مفید یقین است در روشن شدن معنا آیه و فهم درست از آن به کار گرفته شود نه اینکه با علوم غیرقطعی به سراغ قرآن برویم یا بخواهیم هر علومی را از قرآن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

استخراج کنیم یا هر نظریه‌ای را بر قرآن تحمیل کنیم؛ چون در این صورت در دام تفسیر به رأی گرفتار می‌شویم. افراط برخی در این روش از تفسیر قرآن باعث شده است که برخی تفسیر علمی قرآن را به کلی ممنوع بدانند و آن را از زمره تفسیر به رأی بدانند.

در حقیقت، پیشینه این روش تفسیری نیز به عصر نزول قرآن بر می‌گردد، به گونه‌ای که پیامبرﷺ و اهل بیت‌علیهم‌السلام به ویژه امام رضاعلیه‌السلام از چنین روشی در تفسیر قرآن استفاده کرده‌اند ولی تفسیر علمی قرآن به طور گسترده و عمومی از قرن چهارم هجری شروع شد و در این راه و فراز و فرودهایی نیز داشته است. به نمونه‌ای از تفسیر علمی امام رضاعلیه‌السلام از آیات قرآن کریم اشاره می‌کنیم.

حسین بن خالد از امام رضاعلیه‌السلام نقل می‌کند که ایشان در تبیین واژه «حبك» در آیه «وَ السَّماءِ ذاتِ الْحُبُكِ» (الذاریات،۷) فرمود: یعنی آسمان دور زمین بافته شده است. در همین حال امام انگشتان خود را درهم فرو برد (و نشان داد). راوی گوید: از امام پرسیدم: آسمان چگونه دور زمین تنیده شده است در حالی‌که خداوند می‌فرماید: «رَفَعَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها»(الرعد/۱۲؛ لقمان/۱۰)؟ امام فرمود: سبحان‌الله! آیا نمی‌فرماید: «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا»؟ گفتم: آری. فرمود: پس آنجا ستون‌هایی است لکن تو نمی‌بینی (عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۱۲۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج۳، ص ۲۲۴، ح ۵۴۳۷؛ ج۵، ص ۱۵۷، ح ۱۰۱۱۲؛ ص ۴۱۴، ح ۱۰۸۵۱).

در این روایت امام‌علیه‌السلام از بیان تصویری برای تبیین معنای آیه استفاده کرده و «عمد» را به ستون معهود تفسیر نموده‌اند. امروزه نیروی جاذبه، یکی از مصداقهای آن دانسته است که علوم جدید آن را کشف نموده است. این امر که از قطعیات علم امروز است (قسم سوم تفسیر علمی)، ما را در فهم معنای آیه بیشتر کمک می‌کند.

به طور کلّی در تفسیر علمی قرآن سه گونه برخورد وجود دارد:

الف) اینکه کوشش شود همه علوم از قرآن استخراج شود که این امر ناممکن است و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

به تفسیر به رأی منجر می‌شود.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن که این شیوه از تفسیر علمی در قرن اخیر رواج یافته است که این نیز به تفسیر به رأی می‌انجامد.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن که این شیوه روشی صحیح برای تفسیر قرآن است و می‌تواند ما را در برداشت صحیح از قرآن یاری رساند و از طرفی هم اعجاز علمی قرآن را به اثبات می‌رساند (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۲)، ص ۲۲۸-۲۳۱).

لکن برای تفسیر علمی صحیح از قرآن باید معیارهایی را رعایت کرد تا به تفسیر به رأی منجر نشود؛ معیارهایی از قبیل استفاده از علوم قطعی و به کارگیری آنها در فهم قرآن. در واقع، امام رضا علیه‌السلام به تفسیر علمی این آیه یعنی قسم سوم تفسیر علمی اشاره داشته و آن را آموزش داده‌اند.

۵ ـ امام رضا علیه‌السلام و تفسیر اشاری قرآن کریم

در **مجمع البحرین** اشاره مترادف با «سخن گفتن در فهماندن معنا» دانسته شده است مانند جایی که از کسی در انجام دادن کاری اذن خواسته شود و او با دست یا سر به انجام آن یا عدم انجام آن اشاره کند (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۵۵). در زبان فارسی نیز چنین گفته شده است: اشاره در لغت به نشان دادن کسی یا چیزی یا فهماندن مطلبی با حرکات سر و دست و مانند آنها بدون استفاده از لفظ و گفتار گویند یا سخنی که به اختصار یا پوشیده و با رمز گفته شود (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج۱، ص۴۱۹، ذیل واژه). صاحب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، محقق معاصر، در معنای لغوی آن می‌گوید: «ریشه اصلی اشاره [یعنی شور] به معنای انتخاب چیزی از قول، نظر یا عمل است» (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، ج ۶، ص۱۴۹). واژه «اشارت» در قرآن نیز به کار رفته است؛ آنجا که حضرت مریم در پاسخ مردم به حضرت عیسی علیه‌السلام اشاره کرد تا مردم از او پرسش کنند: «فاشارت الیه» (مریم/ ۲۹).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

اشاره در اصطلاح به معنای چیزی است که از کلام استفاده می‌شود، بدون اینکه کلامی برای آن وضع شده باشد؛ یعنی چنین استفاده‌ای از لوازم کلام است. تفسیر اشاری نیز به گونه‌ای بیان می‌شود که فقط افرادی که صلاحیت فهم آن را داشته باشند، بتوانند از آن استفاده کنند یا به گونه‌ای بیان می‌شود که هیچ دلالتی از کلام بر آن وجود ندارد. به هر حال، این پرسش مطرح است که مقصود از تفسیر اشاری چیست؟ برای پاسخ دقیق به این پرسش، توجه به تعریف آن، منظور از چنین تفسیری را نمایان می‌سازد. در تعریف تفسیر اشاری گفته‌اند: «تفسیراشاری به اشارات مخفی گفته می‌شود که در آیات قرآن کریم موجود است و بر اساس عبور از ظواهر قرآن و اخذ به باطن استوار است؛ یعنی از طریق دلالت اشاره و با توجه به باطن قرآن، مطلبی از آیه برداشت و نکته‌ای روشن شود که در ظاهر الفاظ آیه، بدان تصریح نشده است. به عبارت دیگر، اشارات آیه، لوازم کلام هستند که از نوع دلالت التزامی به شمار می‌آیند» (رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۲)، ص ۲۴۲-۲۴۳).

با بررسی تفسیر آیات قرآن کریم که از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت مطهرش علیهم‌السلام در کتاب‌های تفسیر، به ویژه جوامع‌روایی آمده است، این واقعیت روشن می‌شود که ریشه این تفسیر در سخنان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل بیت علیهم‌السلام کاملاً مشهود است و اینکه فرموده‌اند: «قرآن ظاهر و باطنی دارد» (مجلسی، بحار الانوار، ج۹۲، ص۹۵) به این حقیقت اشاره دارد. در برخی از احادیث نیز به باطن آیات اشاره شده است (ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۸).

در روش تفسیر اشاری اگر راه افراط در پیش گرفته شود، چنین تفسیری از قرآن به تفسیر به رأی یا تأویل‌های غلط و نابجا منجر می‌شود، اما با به کار گیری ضوابط صحیح، می‌توان از این طریق به باطن قرآن راه یافت و تفسیری تأویلی به دست داد که ریشه در آموزه‌های تفسیری و تعلیمی ائمه علیهم‌السلام دارد.

هرچند برخی ـ در اثر افراط بعضی در تفسیر اشاری قرآن که به انحراف و تفسیر به

رأی گرفتار شده‌اند ـ با تفسیر اشاری قرآن مخالف‌اند، افرادی همچون امام خمینی(ره)، تفتازانی و حسن عباس زکّی با این روش تفسیری موافق‌اند و کسانی همچون مرحوم علامه طباطبایی (المیزان، ج۱، ص۷) و مرحوم استاد معرفت (معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص۵۲۷)، دکتر ذهبی (ذهبی، التفسیروالمفسرون، ج۲، ص۳۳۹) و شیخ‌خالد عبدالرحمن العک (العک، اصول التفسیر و قواعده، ص۲۰۵) قائل به تفصیل شده‌اند و با آن قسم از تفسیراشاری که صحیح و ضابطه‌مند باشد، موافق‌اند.

اقسام تفسیر اشاری

با توجه به آنچه گفته شد، این روش تفسیری را می‌توان به دو روش تفسیری تقسیم کرد:

۱. روش تفسیر اشاری باطنی غیرصحیح.

این قسم از روش تفسیر اشاری، چون ضابطه‌مند نیست، به تفسیر به رأی یا تأویل‌های غلط و نابجا یا به تعبیر امام رضاعلیه‌السلام به تأویل به رأی منجر می‌شود که باید از آن پرهیز کرد.

۲. روش تفسیر باطنی صحیح

این قسم از تفسیر اشاری در قالب روایات صحیح از امامان معصومعلیهم‌السلام گزارش شده است که در ادامه به نمونه‌هایی از آنها در مکتب تفسیری امام رضاعلیه‌السلام می‌پردازیم.

همچنان که گفتیم، پیامبر اکرمصلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمهعلیهم‌السلام در برخی از احادیث، به وجود ظاهر و باطن قرآن اشاره کرده‌اند و در برخی دیگر از روایات گفته‌اند که قرآن بطن‌های متعدد دارد. از نظر اصطلاحی نیز تأویل و بطن جزئی از تفسیر به شمار نمی‌آید، اما روش و سیره مرسوم مفسران بر آن است که بطن و تأویل آیات را نیز در آثار تفسیری خود آورده داشته‌اند و امامان معصومعلیهم‌السلام در جمع یاران خویش از این روش تفسیری (تفسیر اشاری = تفسیر باطنی یا تأویلی) بسیار استفاده کرده‌اند. در این میان، این گونه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

روش تفسیری در سیره امام رضا علیه السلام از اهمیت شایانی برخوردار است؛ چه آن حضرت به دلیل قرار گرفتن در موقعیت خاصی که برایشان به دست آمد و به نوعی در مقطعی از دوران حیات مبارکشان از مصونیت سیاسی برخوردار بود، بدون تقیه و در کانون قدرت و انظار دیگران به ویژه مأمون خلیفه عباسی و دانشمندان حاضر در جلسات مناظره به صراحت چنین تفسیرهایی از آیات را بیان می‌فرمودند. در ذیل به نمونه‌هایی از تفسیر اشاری امام رضا علیه السلام بسنده می‌کنیم.

علی بن إبراهیم از پدرش از حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام در تفسیر آیاتی از سوره الرحمن چنین آورده است: ... وقوله «والسماء رفعها ووضع الميزان» قال السماء رسول الله رفعه الله إليه، والميزان أمير المؤمنين نصبه لخلقه. قلت: «ألا تطغوا في الميزان»؟ قال: لا تعصوا الإمام. قلت: «وأقيموا الوزن بالقسط»؟ قال: أقيموا الإمام بالعدل. قلت: «ولا تخسروا الميزان»؟ قال: لا تبخسوا الإمام حقه ولا تظلموه. و قوله «والأرض وضعها للأنام»؟ قال: للناس و قوله «فبأی آلاء ربكما تكذبان»؟ قال في الظاهر مخاطبة للجن والانس وفي الباطن ... (قمی، التفسیر القمی، ص ۶۵۸؛ عطاردی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۳۷۳- ۳۷۴، ش ۱۸۲).

ظاهر آیه ترازوی معمولی است و به مردم دستور می‌دهد که بر اساس عدالت رفتار کنند و کم فروشی نکنند، ولی از روایت استفاده می‌شود که بطن آیه یک قاعده کلی است و «میزان» که معنای گسترده‌ای دارد و هر وسیله سنجش را شامل می‌شود که یکی از مصداق‌های آن، امام عادل نیز می‌باشد که وسیله سنجش اعمال مردم است.

نمونه دیگر

مرزبان قمی می‌گوید: از امام‌رضا علیه السلام درباره این آیه «شهد الله انه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائما بالقسط» (آل عمران/۱۸)؛ خدا که همواره به عدل قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او معبودی نیست، و فرشتگان و دانشوران نیز همین شهادت را می‌دهند...) پرسیدم، فرمود: «مقصود امام است» (عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص۱۶۶، ح ۱۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷، ص۴۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج۱، ص ۶۰۴، ح ۱۶۳۰).

در این روایت امام‌رضا علیه‌السلام امام معصوم را مصداق اتم و اکمل اولوا العلم معرفی می‌کند.

چنان که گفتیم، به سبب مسئله ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام در زمان مأمون، فضایی باز برای امام علیه‌السلام و یارانشان پیش آمد که آزادانه به ابراز عقیده خود می‌پرداختند؛ از این رو، با سیری در روایات تفسیری امام رضا علیه‌السلام به وضوح می‌یابیم که حجم بالایی از روایات آن حضرت به تطبیق آیات بر اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص دارد. این امر ناشی از آن بوده که بیشتر سؤال کنندگان از آن حضرت، غالباً تفسیر آیاتی را درخواست می‌کردند که به نوعی به اهل البیت علیهم‌السلام اشاره دارد. روایت ذیل نمونه دیگری در این باره است.

حسن‌بن‌محبوب می‌گوید: در نامه‌ای از امام‌رضا علیه‌السلام درباره آیه «و لِكُلٍ جَعلنا موالیَ ممّا ترَك الوالِدان و الاقرَبون و الّذین عقدَت أیمانُكم...» (النساء/۳۳) پرسیدم که فرمودند: «و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان و کسانی که شما با آنان پیمان بسته‌اید، بر جای گذاشته‌اند، برای هریک وارثانی قرار دادیم. امام پاسخ داد: مقصود از آنان ائمه علیهم‌السلام هستند که خداوند بر آنان از شما پیمان گرفته است» (بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج۲، ص ۷۲، ح ۲۳۴۵و ۲۳۴۶).

نمونه دیگر

ابان می‌گوید: نزد امام رضا علیه‌السلام رفتم و از تفسیر آیه «یا أیها الذین آمنوا أطیعوا الله وأطیعوا الرسول وأولي الأمر منكم» (النساء/ ۵۹) پرسیدم. فرمود: «ذلك علي بن أبي‌طالب علیه‌السلام ثم سكت، قال: فلما طال سكوته قلت: ثم من؟ قال: ثم الحسن، ثم سكت، فلما طال سكوته، قلت: ثم من؟ قال: الحسین، قلت: ثم من؟ قال: ثم علي بن الحسین وسكت، فلم یزل یسكت عند كل واحد حتی أعید المسألة، فیقول حتی سماهم إلی آخرهم»؛ معنی این آیه چیست که می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز پیروی کنید. فرمود: منظور علی بن ابی‌طالب است. آن گاه سکوت فرمود و چون سکوت وی به درازا کشید، پرسیدم: پس از وی کیست؟ فرمود: حسن، و مدّتی سکوت کرد. پرسیدم: پس از او چه کسی؟ فرمود: حسین. گفتم: پس از او؟ فرمود: علی بن الحسین و خاموش ماند... و به همین سان، پس از نام بردن هر امام سکوت می‌فرمود و من

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

می‌پرسیدم، تا آنکه یکایک همه امامان را نام برد (عیاشی، تفسیرالعیاشی، ج ۱، ص۲۵۱ ح ۱۷۱؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۷، ص ۶۱؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج۲، ص ۱۱۳، ح ۲۴۹۵).

این روایت، افزون بر بیان باطن آیه، مصادیق آن نیز را بیان می‌کند که به آن جری و تطبیق نیز می‌گویند.[۱]

۶ ـ روش تفسیر عقلی قرآن

عقل در لغت به معنای امساک، نگهداری و منع چیزی است. در واقع، عقل همان چیزی است که انسان با آن، خوبی‌ها را درک می‌کند و از بدی‌ها خودداری می‌ورزد یا انسان را از هر بدی باز می‌دارد. منظور از عقل در تفسیر عقلی، عقل فطری یا نیروی فکر و قوه ادراک و تعقل است و این در موردی است که تفسیر عقلی و اجتهادی به یک معنا استعمال شود. گاهی هم مقصود از عقل، عقل اکتسابی یا مدرکات عقل است که به عنوان قرائن عقلی یا دلائل عقلی در تفسیر قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد. به هر حال، روش تفسیر عقلی پیشینه‌ای کهن دارد. برخی معتقدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کیفیت اجتهاد عقلی در فهم نصوص شرعی (قرآن و سنت) را تعلیم داده است. امام علی علیه السلام

۱. احکام و مفاهیم قرآن به زمان، دوران و اشخاص معینی اختصاص نداشته و در همه زمان‌ها و بر مواردی مانند آنها نیز جاری می‌شود. این موضوع در عرف روایات به نام «جری» و «انطباق» آورده شده است (ر. ك: صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۹۵). پس اگر آیه‌ای درباره یك شخص و یا واقعه و گروهی نازل شده، دلیل بر این نیست که آن آیه، مخصوص به همان شخص و یا همان واقعه و گروه باشد؛ بلکه حکم و تکلیف آیه، شامل همه مواردی است که در صفات و خصوصیات با مورد و شأن نزول آیه مطابق است؛ مثلا اگر آیاتی در مدح و یا مذمّت جمعی از مؤمنان و یا کافران (زمان نزول آیه)، به علت صفات خاصی که در آنها بوده نازل شده است، این مدح یا مذمت، مخصوص همان افراد نیست؛ بلکه درباره همه افرادی که آن صفات و خصوصیّات را داشته باشند، جاری بوده، شامل آنها هم می‌شود؛ برای مثال: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ» (النحل، ۴۳) پس اگر خود نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. شمار بسیاری از احادیث منقول از اهل سنت و شیعه، «اهل بیت علیهم السلام» را «اهل ذکر» معرفی کرده‌اند (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۷۲–۱۸۸). این در حالی است که شأن نزول آیه، اهل کتاب‌اند؛ ولی آیه بر یك حقیقت عقلی و عقلایی حکم می‌کند و آن لزوم مراجعه جاهل به عالم است (برای آگاهی بیشتر ر. ك: المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۶۶، (آخر سوره حمد)).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]
مکتب تفسیری امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

نیز در برخی از خطبه‌های نهج البلاغه از مقدمات عقلی برای تفسیر آیات قرآن بهره برده‌اند. حتی خود قرآن نیز به انسان‌ها دستور تفکر، تدبر و تعقل در آیات را می‌دهد. حال به نمونه‌ای از تفسیر عقلی و به کارگیری براهین عقلی از سوی امام رضاعليه‌السلام می‌پردازیم. عن هشام بن المشرقي عن أبي الحسن الخراساني‌عليه‌السلام قال: ان الله كما وصف نفسه أحد صمد نور، ثم قال: «... قَالُواْ بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ ...» (المائده/ ۶۴) فقلت له: أفله يدان هكذا – وأشرت بيدي إلى يده – لو كان هكذا كان مخلوقا (بحرانی، البرهان فی تفسیر قرآن، ج ۱ ص۴۸۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص۹۱). هشام بن مشرقی گوید: امام‌رضاعليه‌السلام فرمود: خداوند آن گونه که خود را وصف می‌کند، یگانه است و بی‌نیاز و نور ...؛ آن گاه فرمود: ... بلکه هر دو دست او گشاده است. با دست خود به دستان حضرت اشاره کردم و پرسیدم: آیا او دستی این گونه دارد؟ فرمود: اگر چنین بود که از آفریدگان به شمار می‌رفت.

در این حدیث حضرت با استفاده از نیروی عقل، آیه قرآن را تفسیر کرده‌اند و دست مادی را برای خدا نفی کرده‌اند؛ چون دست داشتن خدا مستلزم جسم بودن و مخلوق بودن اوست، در حالی که با برهان عقلی چنین صفاتی از خداوند نفی می‌شود؛ بنابراین، باید گفت مقصود از دست خدا، قدرت اوست.

ب) مبارزه با تفسیر به رأی

تفسیر به رأی آن است که کسی قرآن را بدون در نظر گرفتن معیارهای درست تفسیر یا برای اثبات مقاصد خود با تحمیل نظریه‌ای بر قرآن یا استخراج نظریه‌ای از آن، قرآن را تفسیر کند. چنین شیوه‌ای آنچنان که از روایات تفسیر به رأی فهمیده می‌شود، حتی در زمان رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله وجود داشته است (ر.ک: ابن جریر طبری، جامع‌البیان، ج ۱، ص۲۷؛ متقی هندی، کنز العمال، ج۲، ص۱۰). امام علی‌عليه‌السلام نیز بر ممنوعیت این شیوه از تفسیر قرآن تأکید فرموده است (صدوق، التوحید، ص۲۶۴). امام رضاعليه‌السلام نیز در روایتی این روش تفسیری را مذموم دانسته است. آن حضرت از پدران بزرگواش از امیرالمؤمنین‌عليه‌السلام نقل می‌کند که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

رسول خدا ﷺ فرمود: «قال الله ـ جل و جلاله ـ ما آمن بي من فسّر برأيه كلامي؛ خداوند می‌گوید: هر کس کلام مرا به رأی خود تفسیر کند، به من ایمان نیاورده است» (صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج۱، ص۱۱۶؛ مجلسی، بحار الانوار ، ج۸۹، ص۱۰۷؛ عروسی‌حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج۱، ص ۳۱۷).

به طور کلّی، روایاتی که در این باره نقل شده است، به بیش از ده روایت می‌رسد (ر.ک: عیاشی، تفسیرالعیاشی، ج۱، ص ۱۷–۱۸؛ بحرانی، البرهان فی تفسیرالقرآن، ج۱، ص۴۰، ح ۱۲۳ و ۱۲۴؛ ۴۲، ح ۱۳۳؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۹ و ۱۴۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۱۰–۱۱۱) و از سوی برخی متواتر دانسته شده‌اند (ر.ک: خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۶۹). در روایت مورد نظر و دیگر روایات تفسیر به رأی، عبارت «بالرأی» یا «برأیه» وجود دارد. توجه به معنای حرف جر «باء» (برای آگاهی از معنای حرف جر «باء»، ر.ک: بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۵۷–۵۸) و واژه «رأی» (ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۳۰۱؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۷۴ـ ۳۷۵) و فحوای کلام روایات، مفهم این معناست که چنین تفسیری مذموم بوده و مورد رضایت خداوند نیست و مرتکب آن مستحق عذاب آتش است (قاسمی، محاسن التأویل، ج۹، ص ۸۹)؛ بنابراین، چنین به دست می‌آید که «رأی» به معنای اعتقاد و دیدگاهی است که کسی بخواهد قرآن را طبق آن تفسیر کند یا قرآن را به گونه‌ای تفسیر کند که مطابق با دیدگاه و نظر او باشد؛ به سخن دیگر، رأی در این روایات به معنای هوی و هوس است (قرطبی، الجامع لأحکام القرآن، ج۱، ص۳۳) که در این صورت تفسیر به رأی، نوعی تفسیر ذوقی و مذموم است و باید از آن خوداری کرد. یکی دیگر از معانی تفسیر به رأی این است که مفهوم جمله‌ای را چنان که قواعد ادبی و لغت اقتضا می‌کند، بپذیریم؛ ولی در تطبیق آن بر مصادیق مرتکب تحریف شویم و چیزی را که مصداق آن نیست، بر طبق سلیقه شخصی خود، نمونه‌ای از آن معرفی کنیم (مکارم شیرازی، جزوه تفسیر به رأی، ص ۲۶). دیدگاه‌های دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که جهت اطلاع بیشتر می‌توان به منابع آن رجوع کرد (ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۴، ص۴۸۲؛ عمید زنجانی، مبانی و روشهای تفسیری، ص ۲۲۸؛ علوی مهر، روشها و گرایشهای تفسیری، ص ۱۷۵).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

موضع‌گیری روشن و معقول در فتنه خلق قرآن

در روزگار امام رضاعليه‌السلام فتنه خلق قرآن به اوج خود رسید تا آنجا که افراد بسیاری به سبب اعتقاد به خالق بودن یا مخلوق بودن قرآن به قتل رسیدند؛ از این رو، برخی از امام رضاعليه‌السلام در مورد خالق بودن یا مخلوق بودن قرآن می‌پرسیدند و امام رضاعليه‌السلام با پاسخ‌هایی که می‌دادند از اساس چنین پنداری را نفی می‌کردند. حسین‌بن‌خالد می‌گوید: قلت للرضا علي بن موسىعليه‌السلام: يا ابن رسول الله! أخبرني عن القرآن أخالق أو مخلوق؟ فقال: ليس بخالق ولا مخلوق، ولكنه كلام الله عزوجل؛ قرآن نه خالق است و نه مخلوق، بلکه کلام خداوند است (صدوق، التوحید، ص۲۲۳ـ۲۲۶ ح۱). در حقیقت، این واقعه که به قضیه محنت خلق قرآن نام بردار شد، از سوی سلطه عباسیان مطرح شد تا مسلمانان را به خود مشغول داشته، آنان را از تفکر و تعمق در جنبه علمی قرآن باز دارند و به جای تفکر و تعقل در مفاهیم انسان‌ساز قرآن، به مسائل جانبی که با هدف اصلی نزول قرآن کریم ارتباطی ندارد، مشغول سازند؛ ازاین‌رو، اهل بیتعليهم‌السلام در این واقعه هلاکت‌بار موضعی روشن و معقول را در پیش گرفتند. امام رضاعليه‌السلام در پاسخ پرسشی مکتوب در این باره به یکی از شیعیان در بغداد چنین نگاشته‌اند: «بسم الله الرحمن الرحيم عَصَمنا اللهُ وإياك من الفتنة! فانْ يفعلْ أعظِمْ بها من نعمة، وإن لا يفعلْ فهي الهَلَكة. نحن نرى أن الجِدال في القرآن بدعة اشترك فيها السائلُ والمجيبُ، فيتعاطى السائلُ ما ليس له، ويتكلّف المجيبُ ما ليس عليه، وليس الخالق إلاّ الله، وما سواه مخلوق، والقرآنُ كلامُ الله، لا تجعلْ له اسماً من عندك فتكونَ من الضالّين. جعلنا اللهُ وإياكَ مِنَ الذين يخشَون ربَّهم بالغيب وهم من الساعة مُشفقُون»؛ خدا ما و تو را از فتنه مصون بدارد. پس اگر چنین کند، چه نعمت بزرگی است و اگر نکند، عین هلاکت و نابودی است. ما چنان می‌بینیم که جدال و بحث در قرآن بدعتی است که سؤال کننده و پاسخ دهنده در آن شریک‌اند. پس سؤال کننده می‌گیرد آنچه از برای او نیست و پاسخ دهنده تکلف می‌کند در آنچه بر او نیست. کسی و چیزی خالق نیست مگر خدای عزوجل و آنچه غیر او باشد مخلوق است و قرآن کلام خداست و از برایش

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

از نزد خود نامی قرار مده که از جمله گمراهان باشی. خدا ما و تو را از آنان قرار دهد که در نهان از پروردگار خود می‌ترسند و از قیامت بیمناکند (صدوق، التوحید، ص ۲۲۴).

ج) امام رضا علیه‌السلام و علوم قرآن

مباحث علوم قرآن جزء تفسیر نمی‌باشد، لکن مفسران عمدتاً آن را در ابتدای تفاسیر خود بیان می‌کنند؛ چه آگاهی از این مطالب، انسان را در فهم درست از قرآن یاری می‌رساند. از آنجا که از امام رضا علیه‌السلام در مواقع مختلف در مورد قرآن سؤال می‌شد، آن حضرت پاسخ‌هایی را در خور سؤال‌کننده می‌دادند. برخی از پاسخ‌های آن حضرت در قالب علوم قرآن می‌گنجد که برخی را در ذیل می‌آوریم.

۱. بیان واقعیت بعثت در نزول نخستین آیات

سوره علق یا آیات آغازین آن نخستین بخش از قرآن است که بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده است که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به خوبی تبیین شده است، ولی متأسفانه همه مفسران و دانشمندان اسلامی بر مبنای پاره‌ای از احادیث نوشته‌اند که در روز بعثت فقط پنج آیه آغاز سوره علق یعنی از آیه «اقرا باسم ربك الذی خلق» تا «ما لم یعلم» بر پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد و از چگونگی نزول «بسم الله الرحمن الرحیم» در آغاز این سوره سخنی نگفته‌اند. ولی در حدیثی که شیخ صدوق آن را در **عیون اخبار الرضا** علیه‌السلام روایت کرده که امام رضا علیه‌السلام فرموده‌اند: «نخستین بار که جبرئیل بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شد گفت: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم إقرأ بسم ربك الذی خلق ...» (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج۱، ص۶، ح ۱۲).

در حقیقت، جبرئیل پس از قرائت «بسم الله الرحمن الرحیم» از آن حضرت خواست که نام خدا یعنی بسم الله الرحمن الرحیم را قرائت کند و آن را به زبان آورد. ولی چون پیغمبر در آغاز کار و اولین برخورد با پیک وحی نمی‌دانست نحوه قرائت نام خدا که جبرئیل از وی می‌خواست چگونه است، پرسید: ما اقرأ؟ یعنی چه بخوانم، و نام خدا که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

باید قرائت کنم چیست و ترکیب آن چگونه است؟ جبرئیل بار دیگر تکرار کرد و گفت: «بسم الله الرحمن الرحیم ـ اقرأ بسم ربك الذی خلق ـ » یعنی نام خدایت را قرائت کن و بگو: «بسم الله الرحمن الرحیم».

در حقیقت، این بیان رضوی از واقعه آغاز نزول قرآن ناظر به این است که برخی از مفسران به جای اینکه «ما» را در «ما أقرأ» استفهامیه بگیرند و به «چه بخوانم» معنا کنند، آن را نافیه گرفته و به «ما انا بقارئ» یا «لست بقارئ» (یعنی من توانایی خواندن را ندارم)، معنا کرده‌اند؛ لذا روایاتی را آورده‌اند که جبرئیل پس از این سخن پیامبرﷺ، ایشان را فشرد، سپس آن حضرت توانایی خواندن وحی را یافت.

روایات دیگری از امام صادقؑ و امام هادیؑ نیز با همین مضمون سخن امام رضاؑ وجود دارد که مؤید راویت مذکور است (ر.ک: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲۸، ح ۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۷، ص۳۰۹؛ ج ۱۸، ص۲۰۵). با توجه به این حدیث و احادیث دیگر امین وحی الهی سوره علق را به عکس آنچه مشهور است، نازل نمودند؛ یعنی جبرئیلؑ هنگام بعثت، نخست با شش آیه نازل شد که ابتدای آن «بسم الله الرحمن الرحیم» بود و از پیامبرﷺ خواستند تا آن (یعنی «بسم الله الرحمن الرحیم») را قرائت فرماید، یعنی قبل از هر چیز و از جمله سرآغاز کار نبوت خویش «بسم الله» بگوید و نام خدا را بر زبان جاری سازد.

علی بن ابراهیم قمی نیز در تفسیرش آورده که پیغمبر پرسید: چه بخوانم؟ جبرئیل مجدداً گفت: «بسم الله الرحمن الرحیم اقرأ بسم ربك الذی خلق»؛ یعنی نام خدا را که مأمور هستی بخوانی، همین «بسم الله الرحمن الرحیم» است، و پیغمبر بار دوم «بسم الله» را برای نخستین بار خواند و با آن آشنا شد (قمی، تفسیر القمی، ج۲، ص۴۳۰).

به عبارت روشن‌تر آنچه خداوند به وسیله جبرئیلؑ در آغاز وحی و اولین لحظه پیامبری خاتم الانبیاءﷺ از آن حضرت خواسته بود تا به زبان آورد و قرائت کند، فقط گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» بود! بقیه آیات همان طور که پیک وحی می‌خواند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

مانند موارد بعدی نزول قرآن در طول ۲۳ سال بعد در سینه مقدّس آن حضرت جای می‌گرفت و دیگر نیازی به تکرار پیامبرﷺ نداشت (ر.ک: دوانی، مفاخر اسلام، ج ۱، ص ۳۶۸).

۲. آخرین سوره نازل شده

آگاهی از نخستین و آخرین سوره‌های نازل شده از مباحثی است که در تفسیر درست از قرآن و ارزیابی برخی از روایات در این باره راهگشاست. از امام رضاعليه‌السلام نقل شده است که سوره علق را با توصیفی که گذشت، نخستین سوره و سوره نصر را آخرین سوره نازل شده بر پیامبر اکرمﷺ معرفی کرده‌اند: «أن أول سورة نزلت بسم الله الرحمن الرحيم إقرأ باسم ربك» وآخر سورهٔ نزلت «إذا جاء نصر الله والفتح» (صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص۶، ح ۱۲؛ عطاردی، مسند الامام الرضا عليه‌السلام، ج ۱، ص ۳۰۸).

۳. به کارگیری کلام الهی در مقام ضرب المثل

در قرآن کریم به طور گسترده‌ای از ضرب‌المثل استفاده شده است که به نوبه خود نقش بسزایی در تفهیم مطلب دارد و خداوند تصریح کرده که از آوردن هر نوع ضرب المثلی ابایی ندارد. عموم مردم و هر عرفی از ضرب المثل استفاده می‌کنند تا با به کارگیری الفاظی کم، مطالب دلخواه خویش را تفهیم کنند و از توضیح و شرح سخن خویش بی‌نیاز شوند. در جوامع اسلامی نیز از آیات و روایات به طور گسترده در قالب ضرب المثل استفاده می‌شود. همین روش در سخنان امام رضاعليه‌السلام نیز دیده می‌شود که از آیه در قالب ضرب المثل استفاده کرده و به پرسشگر خاصی که سؤال‌های بسیاری مطرح کرده، به گونه‌ای پاسخ داده که روش او بسان افرادی است که این آیه در شأن آنان نازل شده یا آیه بر آنان تطبیق می‌نماید. احمدبن‌محمد می‌گوید: کتب إليّ أبو الحسن الرضاعليه‌السلام وكتب في آخره: أولم تنتهوا عن كثرة المسائل فأبيتم أن تنتهوا إياكم وذاك فإنما هلك من كان قبلكم بكثرة سؤالهم، فقال الله تبارك وتعالى «يا أيها الذين آمنوا لا تسئلوا عن أشياء إلى قوله كافرين» (المائدة/ ۱۰۱ – ۱۰۲؛ عطاردی، مسند الامام الرضاعليه‌السلام، ج ۱، ۳۲۹، ش ۵۹).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

۴ـ جایگاه بلند قرآن در کلام امام رضاعلیه‌السلام

در سخنان بازگوشده از امام رضاعلیه‌السلام اشارات فراوانی به آیات شریف قرآن وجود دارد. بسیاری از این روایات گویای جایگاه بلند این کتاب آسمانی در نزد ایشان است و در شمار فراوانی از آنها نیز با بیان شیوای امام‌علیه‌السلام، رازی از هزاران رمز و راز قرآنی آنها گشوده شده است. ریّان بن صلت گوید: از امام رضاعلیه‌السلام در باره قرآن پرسیدم، فرمود: «کلام الله لا تتجاوزوه، ولا تطلبوا الهدی في غیره فتضلّوا؛ قرآن سخن خداست؛ از آن فراتر نروید و راه رستگاری را در چیزی جز آن مجویید که گمراه می‌شوید» (صدوق، التوحید، ص ۲۲۳ـ۲۲۶، ح ۲).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، در مکتب تفسیری امام رضاعلیه‌السلام تفسیر قرآن با ویژگی‌های خاصی همراه است، به گونه‌ای که در همه روش‌های تفسیری امام، روش تفسیر قرآن به قرآن را که بهترین و مهم‌ترین روش تفسیری است و از سوی پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه‌علیهم‌السلام آموزش داده شده، دیده می‌شود. در تبیین مسائل علوم قرآنی نیز نوآوری خاصی ملاحظه می‌شود. این امر معلول دوران حیات پربار آن امام همام‌علیه‌السلام می‌باشد، به ویژه دوره سکونت در مرو و کانون خلافت بنی‌عباس که جلسات مناظره برای مقابله علمی با ایشان برگزار می‌شد و امام‌علیه‌السلام به شایستگی به تفسیر قرآن و بیان معانی اخبار می‌پرداخت حتی روایات و تفسیرهای احیاناً تقیه‌ای امامان پیشین آشکارا تشریح و تبیین بیان می‌فرمودند. از این رو، می‌توان نکات تفسیری جالبی از این مکتب تفسیری به دست آورد. نکته جالب در این مکتب تفسیری آن است که امام‌علیه‌السلام در همه روش‌های تفسیری قرآن از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرده است. در پایان به مباحث علوم قرآن از نگاه امام رضاعلیه‌السلام نیز اشاره شده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]

منابع

۱. قرآن کریم

۲. نهج البلاغه

۳. ابن جریر طبری، محمد، جامع البیان، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.

۴. ابن حنبل، المسند، بیروت: دار صادر، بی‌تا.

۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

۶. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۱ش.

۷. بابایی، علی‌اکبر و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ـ تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.

۸ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ ق.

۹. بهبهانی، وحید، الرسائل الاصولیه،

۱۰. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزهراء، ۱۴۰۳ ق.

۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مهر، ۱۴۲۱ ق.

۱۲. حکیمی، محمدرضا، امام در عینیت جامعه، بی‌جا: فجر، بی‌تا.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله، قرآن کریم از منظر امام رضا علیه السلام، قم: اسری، ۱۳۸۲ش.

۱۴. ذهبی، محمد حسین، الفسیر و المفسرون، بیروت: دارالقلم، بی تا.

۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم ـ دمشق، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.

۱۶.رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن، قم: جامعة المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ش.

۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی بن سورة، السنن، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.

۱۸. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتاب العربی، چاپ دوم، چاپ دوم ، ۱۴۲۱ق.

۱۹. شریف لاهیجی، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی(محدث)، تهران، دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ ش.

۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، امالی، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.

۲۱. ــــــــــ ، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی تهرانی، قم: جماعة مدرسین، بی‌تا.

۲۲. ــــــــــ ، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری، بی‌تا.

۲۳.ــــــــــ ، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۴ ق.

۲۴. ــــــــــ ، کمال الدین، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، ص۳۴، ح۲.

۲۵. ــــــــــ ، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

۲۶. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم: مکتبة آیة المرعش النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

۲۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۲۸. عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضاعليه‌السلام، مشهد: کنگره بین المللی امام رضاعليه‌السلام، ۱۴۰۶ق.
۲۹. العک، خالد عبدالرحمان، اصول التفسیر و قواعده، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۱۴ ق.
۳۰. علوی مهر، حسین، روشها و گرایشهای تفسیری، قم: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۳۱. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روشهای تفسیری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۳ش.
۳۲. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المکتبة العلمیة الإسلامیة، بی‌تا.
۳۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین، بی‌تا.
۳۴. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۵. فیض کاشانی، محسن، الصافی، چاپ دوم، تهران: مکتبة الصدر ـ قم: مؤسسة الهادی ۱۳۷۴ ش.
۳۶. ـــــــــ ، نوادر الأخبار، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱ش.
۳۷. قاسمی، محمدجمال‌الدین، محاسن التأویل، تحقیق محمد باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۳۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، التفسیر، تصحیح سید طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب ،۱۴۰۴ق.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیة، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.
۴۱. متقی هندی، کنز العمال، تحقیق و تصحیح بکری حیانی و صفوة السقا، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۹م.
۴۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۴۳. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش
۴۴. معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۷۸ش.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر به رأی.
۴۶. نسائی، فضائل الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، بی‌تا.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.42.11.8]